



ویژه نامه ی نشریه ی مستقل دانشجویی «ایران جاودان»

روابط ایران و روسیه، قسمت دوم



دانشگاه شیراز
۱۳۰۶/۱۰/۱۳

۲۰ هزار تومان

«روابط ایران و روسیه، قرارداد ۱۹۲۱ (۱۲۹۹ شمسی)»

در نوبتهی پیشین به روابط ایران و روسیه از آغاز تا وقوع جنگ جهانی اول پرداختیم. به آنجا رسیدیم که ایران در جنگ جهانی اول مورد حملهی نیروهای روسی و بریتانیایی واقع شد. آنچه در این جنگ بر سرزمین ایران و ملت ایرانی گذشت را همه خواننده و شنیده ایم و در حد کفایت از آن آگاهی داریم. اما در میان دو جنگ جهانی و در ابتدای حکومت رضاشاه، قراردادی میان حکومت پهلوی و حکومت نوپای سوسیالیستی شوروی امضا می شود که در آن روابط ایران و روسیه برای اولین بار به صورت ظلم و ستم بر علیه مردم ایران و استعمار این خاک نیست. البته که این قرارداد بعدها بهانهی شوروی برای حمله به ایران در جنگ جهانی دوم می شود؛ اما متن قرارداد دارای نکاتی است که تا پیش از این قرارداد شاهد آنها نبودیم. این نقطهی عطفی در روابط ایران و روسیه است.

متن قرارداد در آرشیوهای آنلاین موجود است و علاقه مندان می توانند با یک جستجوی کوتاه به آن دسترسی پیدا کنند. اما قرارداد ۱۹۲۱ برای ایران چه سود و زبانی داشت؟ اهداف روسیه از این قرارداد چه بود؟ در ادامه ی این ویژه نامه به این موضوعات می پردازیم.

قرارداد ۱۹۲۱ که به قرارداد «مَوَدَّت» یا «دوستی» نیز معروف است، اولین قرارداد شوروی با یک دولت خارجی بعد از سقوط تزار و پیروزی بلشویک ها می باشد. این قرارداد در ظاهر بیشتر اقتصادی می نماید، ولی بر همگان هویدا است که در قراردادهای بین دو یا چند دولت؛ اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی در هم تنیده اند. اهداف روسیه از این قرارداد را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱) گسترش روابط تجاری و بازرگانی
- ۲) تعیین محدوده ی امنیت ملی برای شوروی با توانایی دخالت مسلحانه
- ۳) حل مسائل مرزی

تزار پتر در وصیت نامه ی خود می گوید: «باید تدابیر گوناگون بکار برد که مملکت ایران روز به روز بی پول تر شود و تجارتش تنزل کند».

لرد کرزون که یک سیاست مدار انگلیسیست نیز اشاره می کند که: «روسیه معتقد است

اگر ایران آباد شود؛ بهانه‌ای برای نفوذ در آن و تسخیر آن وجود نخواهد داشت.»

بلشویک‌ها با شعار یاری دادن کارگران و ستمدیدگان دنیا، قصد داشتند تا حداقل در ظاهر آنچه پتر و لرد کرزون گفته بودند را نقض کنند و خود را خیرخواه ملل متفاوت نشان دهند. با این پیشفرض به باقی بررسی خویش می‌پردازیم. شوروی تجارت را عاملی در راه بسط و گسترش نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی خود می‌دانست. گواه این سخن کتایست به نام «روابط بین‌المللی در پایان قرن نوزدهم» که توسط یک بلشویک به اسم «روتشتین» نوشته شده است. در این کتاب روتشتین ذکر کرده که: «سیاست بازرگانی دولت روسیه در ایران بیشتر تابع سیاست خارجی اوست و نه مصلحت اقتصادی او.»

روتشتین خود یکی از عاملان همین برنامه است. وی به عنوان وزیر مختار روسیه در ایران به میرزا کوچک‌خان جنگلی می‌گوید: «با باز شدن شمال، ایران نفس راحتی خواهد کشید و دست انگلیس از بازارهای ایران کوتاه خواهد شد.» روتشتین نمی‌خواهد ایران بازار آنچه او «کاپیتالیستی و امپریالیستی» می‌خواند باشد. تمام این گزاره‌ها را آوردیم تا یک نکته را متذکر شویم. اقتصاد برای شوروی (یا حداقل تجارت در ایران برای شوروی) بیشتر بعد سیاسی دارد تا اقتصادی. شوروی هرگاه با یک کابینه در ایران مخالف بود؛ روابط اقتصادی و سیاسی و حتی مذاکرات بر سر موضوعات اقتصادی به مرور کمتر و سپس قطع می‌شد. به عنوان مثال روسیه برای نمایندگان تجاری خود درخواست مصونیت قضایی می‌کند و البته کاهش یا حذف عوارض گمرکی. این درخواست با مخالفت رضاشاه روبرو می‌شود زیرا این موضوع را نقض حقوق مردم ایران می‌داند. بمجرد اعلام این پاسخ از سوی ایران، ورود کالاهای ایرانی به روسیه شوروی ممنوع می‌شود. آسیب اصلی این تحریم موقت را کارگران و صنعتگران می‌بینند. روسیه به نام دفاع از حقوق کارگر، معیشت کارگران ایرانی را به خطر می‌اندازد. با مشاهده‌ی چنین روندی، در انتها دولت ایران قراردادی جدید با دولت شوروی به امضا می‌رساند و این حقوق را بصورت برابر احیا می‌کند.

نقطه‌ی عطف این قرارداد در اینجا است که تا پیش از این صحبتی از «حقوق متقابل» مضحک بنظر می‌آمد. «ژرژ آقا بکف» که یکی از مامورین اطلاعاتی روسیه در ایران بوده است، درباره‌ی وضعیت ایران در دوران قجری در خاطرات خود می‌نویسد: «ما در دربار ایران نفوذ داشتیم و میزان امکان تسلیم ایران در برابر هر معاهده را قبل از اعلام به

دولت ایران می‌سنجیدیم.» دقت کنید؛ نه اقناع دولت ایران، بلکه «تسلیم» دولت ایران. قاجارها توانایی مخالفت یا حتی بیان درخواستی در رابطه با معاهدات را نداشتند. صحبت از سازش نیست، از تسلیم است.

تا پیش از این قرارداد نه تنها مصونیت قضایی برای ایرانیان وجود نداشت، بلکه حق مالکیت یا اجاره‌ی مغازه یا انبار در کشور مقصد نیز تنها شامل روس‌ها می‌شد و ایرانیان از این حق در خاک روسیه بی‌بهره بودند. ایرانیان ناچار به انتقال کالای خود از طریق روسیه بودند.

روس‌ها پس از این رخداد، سیاست دیگری را در پیش گرفتند؛ تامین منابعی که تا پیش از این از ایران با استعمار به دست می‌آمد، از مناطق دیگری که ظرفیت استعمار بیشتری دارند. ایران نیز که وضعیت خویش را سامان یافته‌تر می‌دید سعی کرد تا شرکای تجاری بیشتری بیابد. بر همین اساس نرخ تجارت ایران با روسیه از دو سوم کل تجارت ایران، به حداکثر یک سوم کل تجارت تنزل یافت. البته این اتفاق به سود روسها تمام شد. تا شروع جنگ جهانی دوم، همواره صادرات روسیه به ایران از وارداتش از ایران بیشتر بوده و تنها در سال ۱۹۳۵ است که صادرات روسیه به ایران از وارداتش کمتر است. بطور کلی تنها زمانی ایران در برتری تجاری نسبت به روسیه قرار داشته است که یا روسیه درگیر جنگ بوده و یا در کمونیسم جنگی و نابسامانی داخلی به سر می‌برده. اما تجارت روسیه و ایران شامل چه کالاهایی می‌شده؟ عمده‌ی صادرات ایران به

روسیه را حیوانات زنده، پنبه، پشم و مواد غذایی تشکیل می‌دهد. نکته‌ی جالب توجه این است که صادرات روسیه به ایران را منسوجات کالاهایی تشکیل می‌دهد که خود ایران به روسیه صادر می‌کرده است. پنبه بصورت خام به روسیه می‌رود و بصورت منسوجات پنبه با قیمت بیشتری به ایران باز می‌گردد. گویا برای شوروی وعده‌ی نجات دهاقین و کارگران از چنگال استثمار و استعمار بصورت اولویتی مطرح بوده؛ به عبارتی خون کارگر روسی از کارگر ایرانی رنگین‌تر است. بر اساس اعداد ثبت شده در آرشوها، سود صادرات منسوجات پنبه به ایران برای روسیه، چهار برابر سود ایران از صادرات پنبه به روسیه بوده است. گویا عبارت «کارگران جهان» را که کمونیست‌ها استفاده می‌کردند، باید ترجمه کنیم به «کارگران روسیه». در همین دوران شوروی سیاستی مشخص و معنا دار اتخاذ کرده و صادرات ماشین‌آلات صنعتی به ایران را به یک و نیم تا دو درصد کاهش می‌دهد. جایش را چه پر می‌کند؟ یک افزایش ۳۰ درصدی صادرات محصولات همین دستگاه‌های صنعتی به ایران! شوروی سعی دارد تا ایران را به یک کشور عقیم و مصرف‌گرا تبدیل کند. ترقی کارگران و دهاقین چه

شد؟ جای خود را به مشتی بر دهان کارگر ایرانی داد. حتی انگلیس و آلمان که به امپریالیست بودن معروف اند؛ به ترتیب سه و شش برابر روسیه، به ایران ابزارآلات و دستگاه‌های صنعتی صادر کرده‌اند. حتی در سال ۱۹۴۱ میلادی، عمده‌ی واردات آلمان از ایران را کالاهای صنعتی تشکیل می‌دهند. آلمان بازار فروش بعضی کالاهای ایرانی شده است.

در میان بندهای مربوط به تجارت در قرارداد ۱۹۲۱، نکاتی وجود دارد که باید به آنها توجه کرد. روسیه سعی دارد که از خود ملایمت نشان داده و خود را خیرخواه مردم ایران نشان دهد. ایران در قرارداد ترکمانچای متعهد می‌شود که «بیست میلیون منات نقره» که برابر با بیست میلیون سکه‌ی نقره می‌شود را به روسیه بدهد. روسیه می‌گوید که در قرارداد ۱۹۲۱ این مبلغ را به خلق ایران می‌بخشد. اما این عملی پوچ است و محلی از اعراب ندارد. زیرا این مبلغ تا قبل از قرارداد ۱۹۲۱ بصورت تمام و کمال به روسیه پرداخت شده بود. تا زمان امیر کبیر، هشتاد درصد از این بدهی تحمیلی به روسیه داده شده بود. با تلاش‌های امیر کبیر بیست درصد باقی‌مانده بخشیده می‌شود. روسیه بیست درصد از آنچه قبلاً بخشیده شده بود را می‌بخشد! باقی قرض‌هایی که روسیه به ایران می‌بخشد نیز مربوط به ضررهای وارد شده به اتباع روس در شورش‌های درونی ایران بود، شورش‌هایی که خود بسیاری از آنها را خود روسیه تشویق و هدایت کرده بود. روسیه به این بهانه و ذیل نام بخشش خود را از پرداخت بدهی‌هایش به دولت ایران نیز در قرارداد ۱۹۲۱ معاف می‌کند. خساراتی که روسیه متعهد شده بود بدلیل تصرف ایران در جنگ جهانی اول به ایران پردازد ۴۳۶ میلیون تومان بود. شوروی خود را متقابلاً از پرداخت این خسارات معاف می‌کند. فرای این ۴۳۶ میلیون تومان، ۳۰۰ هزار ایرانی نیز توسط دول متفق به قتل رسیده بودند! بله قرارداد ۱۹۲۱ در عین اینکه نقطه‌ی عطفی در روابط ایران و روسیه است، مشکلاتی نیز دارد که در انتهای این متن به بزرگترین مشکل آن خواهیم پرداخت.

فرای روابط تجاری، نگاهی به فعالیت‌های دیگر روسیه در ایران بیاندازیم. یکی از موضوعات مورد مجادله در روابط ایران و روسیه، موضوع راه‌آهن، کشتیرانی، انبارها، معادن و راه‌هاست.

دولت ایران برای اولین بار در اواسط حکومت قاجار در باب راه‌آهن با فردی بریتانیایی به اسم «استون سون» مذاکره کرد. وی طرحی انقلابی را پیشنهاد داد؛ خط راه‌آهنی از

وین به خاک عثمانی، سپس به بغداد، بصره، خوزستان، فارس، کرمان، بلوچستان و در نهایت هم به سند. اما این طرح مورد تردید واقع شد؛ زیرا با اینکه این طرح باعث نفوذ در پایگاه روسیه می‌شد، اما امکان داشت به دست روسیه بیفتد یا حتی مردم کشورهای که این خط راه آهن از آنها می‌گذشت منافع انگلیس را تهدید کنند. در آخر با تصور چنین احتمالاتی طرح مذکور لغو گردید.

چند سال بعد فردی ارمنی به اسم «ساوالان» به ایرانیان پیشنهاد مشابهی داد که باز هم به سرنوشتی مشابه پیشنهادات قبلی دچار شد. او با پرداخت رشوه به درباریان آنان را قانع کرد که اگر امتیاز تاسیس راه آهن بعدها به کسی سپرده شد، به وی اطلاع داده شود تا با آن فرد وارد مذاکره شود. فردی که پس از ساوالان به دنبال امتیاز تاسیس راه آهن در ایران افتاد «رویترز» بود و ایرانیان به قول خویش وفا نکرده و به ساوالان هیچ اطلاعی ندادند. قرارداد رویترز با اعتراض مردم ایران و روسیه مواجه شد و شکست خورد.

اکنون وقت آن بود که پس از تلاش‌های مداوم دول غربی برای کسب امتیاز راه آهن، روسیه نیز دست به کار شود. روسها در سال ۱۲۵۳ هجری شمسی روسیه فردی به اسم «بارون فن فالکنهاگن» را پیشنهاد کرد تا متولی این امر شود، روسها از ایران درخواست کردند که شش و یکدهم از سود را تضمین کند، حق استخراج از معادن تا فاصله‌ی ۸۰ کیلومتری را به روسیه بدهد و گمرک ایران را به عنوان وثیقه این قرارداد در نظر بگیرد. روسیه هم در مقابل پنجاه درصد از سود حمل و نقل این خط راه آهن، که از جلفا به تبریز کشیده می‌شد را به ایران می‌دهد. پیشنهاد روسیه برای مدت این قرارداد هفتاد سال بود. (می بینیم که این قرارداد حتی از مفاد قرارداد رویترز نیز سنگین تر و بیشتر به ضرر ایران است.) این قرارداد با مخالفت شدید انگلیس روبرو شد و مردم با شنیدن خبر این قرارداد برافروختند، رویترز هم مدعی پابرجایی قرارداد خود بود.

دولت مردان ایران با مشاهده‌ی چنین شرایطی؛ به بهانه‌ی مفتوح بودن پرونده‌ی رویترز و با امروز و فردا کردن در مذاکرات، این قرارداد را از سر گذراندند. قرارداد بارون فن فالکنهاگن در برخورد با قرارداد رویترز باعث شد تا اصطکاک روسیه و انگلیس در ایران دوچندان شود. روسها که فضا را متشنج و ایرانیان را متردد در امضای قرارداد فن فالکنهاگن دیدند؛ به ایرانیان اعلام کردند که این قرارداد را کان‌لم‌یکن بدانید. اما روسها نمی‌خواستند که با دستان کاملاً خالی از این موضوع عقب‌نشینی کنند. آنها می‌دانستند که اگر انگلیس این امتیاز را به دست بیاورد، سیلی از کالاهای اروپایی به سوی ایران روانه خواهد شد و بازار کالاهای روسی را خراب خواهد کرد. بنابراین با رشوه به درباریان و نزدیکان ناصرالدین شاه، او را مجاب کردند که به هیچ فردی یا

کشوری اجازه‌ی ساخت خط راه‌آهن در ایران را ندهد، مگر با اطلاع قبلی به روسیه. در سال ۱۲۶۷ شمسی انگلیس موفق شد تا حق کشتیرانی بر کارون را از ناصرالدین‌شاه بگیرد. روسیه با اطلاع از چنین رخدادی، خود را در زمینه‌ی ایران از انگلیس عقب‌تر می‌دید و بنابر این سعی کرد تا این موضوع را با پیش کشیدن مجدد بحث تأسیس راه‌آهن جبران کند. بریتانیایی‌ها که منافع خود را تضمین شده می‌دیدند با این عمل مخالفتی نکرده و اظهار کردند که در صورت شرکت بریتانیا در این امر، تأسیس خط راه‌آهن مانعی ندارد. مذاکرات برای این موضوع شروع شد اما این خوشبینی پس از چندی جای خود را به شک و تردید داد؛ روس‌ها به بریتانیایی‌ها و بریتانیایی‌ها به روس‌ها اعتماد ندارند. مذاکرات شکست می‌خورد و بار دیگر موضوع خط‌آهن به دیوار بی‌اعتمادی‌ها برخورد می‌کند. نتیجه‌ی مذاکرات در سال ۱۲۶۹ هجری شمسی اعلام می‌شود:

«دولت ایران متعهد می‌شود که تا ده سال، نه خود اقدام به ساخت راه‌آهن کند و نه اجازه به دیگری بدهد و بلافاصله پس از پایان این ده سال، با دولت روسیه و انگلیس در این زمینه وارد مذاکره شود.»

سرنوشت و توسعه‌ی ملت ایران در دستان دو دولت بیگانه و استعمارگر بود که برای ترقی، جان و مال ملت ایران اندکی هم اهمیت قائل نبودند.

موضوع خط راه‌آهن ایران به فراموشی سپرده می‌شود و تنها روسیه در ژوئن سال ۱۲۸۳ در یک کنفرانس، مخالفت خود را با تأسیس راه‌آهن در ایران اعلام می‌کند. تا قرارداد ۱۹۰۷ هیچ اشاره‌ای به این موضوع به عمل نمی‌آید. با وقوع قرارداد ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس به یکدیگر نزدیک‌تر شده و بصورت مشترک حق تأسیس راه‌آهن در ایران را از دولت ایران درخواست می‌کنند که با امروز و فردا کردن ایران، راه به جایی نمی‌برند.

در جنگ جهانی اول و با تسخیر ایران، انگلیس با استفاده از شرایط جنگی سعی به تأسیس خط‌آهن در ایران کرده و شرکتی انگلیسی به نام «شرکت خط‌آهن ایران» را مسئول این کار می‌کند. با وجود تمام تلاش‌ها، این شرکت تنها موفق می‌شود نقشه‌کشی قسمت‌هایی از این خط‌آهن را به پایان برساند. نقشه‌های به پایان رسیده توسط این شرکت، بعدها در دوره‌ی رضاشاه مورد استفاده قرار گرفته و در تأسیس

خط آهن شمال-جنوب به ایران یاری رساندند.

روسیه نیز در همین اوضاع دست به تاسیس راه آهن جلفا-تبریز زد و کل سهام این خط آهن را به دست گرفت. این خط راه آهن برای جابجایی ادوات نظامی و سربازان روسی مورد استفاده قرار می گرفت.

سهام این شرکت در «ماده ی ۱۰ از بند ب» قرارداد ۱۹۲۱ بصورت تمام و کمال به ایران واگذار شد.

حالا که تکلیف خط آهن ایران در قرارداد ۱۹۲۱ معلوم شد؛ به حق کشتیرانی و جایگاه آن در قرارداد ۱۹۲۱ می پردازیم.

در قرارداد ترکمانچای و گلستان، حق کشتیرانی در بندر انزلی، تالاب انزلی و خلیج پارس از ایران سلب شد و امتیازی به یک شرکت روسی داده شد تا به پاکسازی و استفاده از تالاب انزلی و دریاچه ی ارومیه بپردازد. در «بند ت و ج از فصل ۱۱» قرارداد ۱۹۲۱، حق حاکمیت و کشتیرانی ایران بر تمامی آبهای مذکور به رسمیت شناخته شد و حاکمیت سلب شده به ایران بازگشت.

در رابطه با راه های شوسه؛ روسیه امتیاز ساخت آنها و همچنین استفاده از معادن اطراف این راه ها را از اواسط دوران قاجار در اختیار خود داشت و برای تضمین سود بیشتر، توانست «امتیاز تاسیس انحصاری شرکت بیمه ی حمل و نقل» در کل ممالک ایران را هم به دست آورد. طبق «ماده ی ۱۰ از بند الف» قرارداد ۱۹۲۱، مالکیت راه ها، معادن اطراف و حق تاسیس انحصاری شرکت بیمه ی حمل و نقل به ایران بازگشت.

موضوع مهم دیگری که سالها محل درگیری سیاسی و اقتصادی روسیه و ایران بود، موضوع «انبارها» برای تاجران روسی بود.

روسیه در «درقازیان» و «مبارک آباد» درخواست ساخت انبار کالا و تجهیزات تجاری برای روس ها را داشت. به دستور ناصرالدین شاه و در پاسخ به این درخواست؛ چند انبار در مکان های مذکور ساخته شد و به روس ها اجاره داده شد، اما روسیه همواره به دنبال تصاحب مالکیت این انبارها بود. در قرارداد ۱۹۲۱ «بند ت و ج» این انبارها به مالکیت بی قید و شرط ایران و در آمدند و دست روسیه از ادعا برای تصاحب این انبارها کوتاه شد.

یکی دیگر از موضوعاتی که همواره محل نزاع روسیه و ایران بوده موضوع «شیلات» ایران است.

برای فهم دقیق تر این نزاع و نقش و اهمیت قرارداد ۱۹۲۱ در این موضوع، باید بصورت کوتاه و موجز به تاریخچه‌ی آن پردازیم. در دوران تزاری شیلات ایران بصورت انحصاری به «لیانازوف» نماینده‌ی روسیه در ایران اجاره داده شده بود و پس از وی نیز به ورثه‌ی او اجاره داده شد. در سال ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) بدلیل انقلاب کمونیستی روسیه و ضبط اموال اشراف دوران تزاری، لیانازوف‌ها نتوانستند که اجاره را بپردازند و ایران بصورت یکطرفه آن را فسخ کرد. در سال ۱۹۲۱ و با قرارداد ۱۹۲۱، این پرونده مورد توجه قرار گرفته و ایران در آن مقصر شناخته می‌شود. بنابر ۷ سال به مدت قرارداد لیانازوف‌ها افزوده شده و شیلات ایران به مدت ۱۵ سال به اجاره‌ی خانواده‌ی لیانازوف در می‌آید. البته در سال ۱۹۲۷ خانواده‌ی لیانازوف دارایی‌های خود را به دولت اشتراکی شوروی می‌بخشند و روسیه نیز که می‌بیند قسمتی از ممالک خزر را در اختیار دارد، بدین فکر می‌کند که این امتیاز را خود بصورت دولتی کسب کند.

به پیشنهاد روسیه یک شرکت مختلط ایرانی- روسی با یک هیئت مدیره‌ی ۶ نفره که متشکل از ۳ نفر ایرانی و ۳ نفر روسی است تشکیل می‌شود تا به امور صید در دریای خزر بپردازد. برای این قرارداد ۲۵ سال اعتبار در نظر گرفته شده و ایران متعهد می‌شود که تا ۲۵ سال پس از پایان این قرارداد، این امتیاز را به شخص ثالثی ندهد. در مقابل روسیه متعهد می‌شود که به ایران ۸۰ هزار تومان و سود ۱۵ درصدی از عایدات خالص به‌علاوه‌ی نصف منافع خالص را بدهد. باید دید که آیا این قرارداد برای ایران سود بیشتری به همراه داشته است؟ یا اگر دولت ایران بصورت کاملاً مستقل به موضوع شیلات می‌پرداخت سود بیشتری به دست می‌آورد؟ تحقیق درباره‌ی این موضوع را به باقی علاقه‌مندان به این حوزه می‌سپاریم.

در متن بارها نام معادن شنیده شد. در سال ۱۲۷۹ شمسی و در یک قرارداد ۱۶ فصلی و به مدت ۷۰ سال حق تجسس، کشف، استخراج و ذوب عایدی معادن به دو طبعه‌ی روسی به نام‌های «الکسی میشل کوریانیف» و «تئودور راماکیف» داده شد. البته فلزات گرانبها مثل نقره، طلا و سنگ‌های قیمتی را از این قرارداد مشتنی کردند. ۱۰ سال معافیت برای برای ابزارها و ۳۰ سال معافیت هم برای مالیات عمومی و خصوصی کارخانجات و سایر بناها و ماشین‌های این دو فرد در نظر گرفته شد. سهم دولت ۱۶ درصد از زمین‌های عادی و ۵ درصد از زمین‌های اهالی در نظر گرفته شد. ده سال

پس از شروع این قرارداد و در سال ۱۲۸۹ شمسی (۱۹۰۹ میلادی)، این قرارداد سه سال دیگر نیز تمدید شد. در هفتاد و پنج نقطه، هشت نوع معدن متفاوت کشف، تفتیش و به کار انداخته شد. قرارداد ۱۹۲۱ این قرارداد را لغو کرد تا معادن و سود حاصل از آن به مردمان ایران بازگردد.

در فصل سوم قرارداد ۱۹۲۱، دولت شوروی از تمام ممالکی که به بهانه‌ی «مقابلۀ با سیاست‌ورزی اروپا» تصرف کرده بود عقب نشینی می‌کند و جزایر و بعضی نقاط استان‌های شمالی را که نیروهای نظامی تزاری در آنها مستقر بودند به ایران واگذار می‌کند.

موضوع رودخانه‌ها در قرارداد ۱۹۲۱ بصورت واضحی بررسی نمی‌شود. در فصل سوم این قرارداد از «حقوق مساوی» نام برده می‌شود. در بررسی حقوقی، این نام نه جامع است و نه مانع و گنگ است. بررسی «حقوق مساوی» به یک کمیسیون واگذار می‌شود که ما از سرگذشت این کمیسیون در صورت تشکیل نتوانستیم اطلاعی حاصل کنیم یا متنی در این باره بیابیم و کسب اطلاعات بیشتر را به عهده‌ی علاقه‌مندان این زمینه می‌سپاریم.

در فصل ششم قرارداد ۱۹۲۱ یک اصل بسیار خطرناک ذکر شده است که البته با نظر به وضعیت آن دوران اجتناب ناپذیر بنظر می‌رسد. فصل ششم ذکر می‌کند که اگر در خاک ایران دولتی بخواهد یا دست به عمل در این راستا بزند که نیروی نظامی یا مرکز حمله بر علیه خاک شوروی انجام دهد و در صورتی که ایران نتواند مانع این کار شود؛ روسیه توانایی و اجازه‌ی (حق) این موضوع را خواهد داشت که نیروی نظامی (قشون) خود را وارد ایران نماید. ولی باید پس از رفع خطر بلادرنگ قشون خویش را از حدود ایران خارج بنماید. این اصل قطع به یقین بهانه‌ی حمله به ایران در سال ۱۳۲۰ شمسی و جنگ جهانی دوم است.

در فصل ۸ و ۹ این قرارداد راه‌های شوسه، خطوط راه آهن، اسکله‌ها و انبارهای مربوط، کشتی‌ها، تمام خطوط تلگرافی و تلفنی و اثاثیه‌ی مذکور و مربوط به آن، بندر انزلی و کارخانه‌ها و اسکله‌های ذیل آن که توسط دولت تزاری از ایران به واسطه‌ی کنش‌های استعماری سلب شده، به مردم ایران باز می‌گردد. اما در یک شرط عجیب،

روسیه این موضوع را مشروط به آن می‌کند که به دول یا فرد ثالثی در هر قالبی داده نشود. این رسماً دخالت در امور داخلی ایران است و در صورت واگذاری به ایران، شرط معنا ندارد و ناقض اصل استقلال سیاسی و حاکمیت ایران درون مرزهای خویش است.

در فصل پانزدهم دولت ایران متعهد می‌شود که بر اساس درخواست شوروی، ابنا و اثاثیه‌ی تقدیم شده به ایران که مربوط به کلیساهای ارتودکس تزاری منحل شده است را فقط در امور مدرسه‌سازی و سایر امور معارفی استفاده کند. نقدی که در بند پیش آنرا ذکر کردیم به این فصل نیز وارد است.

در فصل شانزدهم تمام امور کاپیتالاسیون و مربوط به آن در خاک شوروی و ایران نسبت به تبعه‌ی یکدیگر لغو شده و محاکم محلی صلاحیت رسیدگی می‌یابند. (بررسی تحقق این فصل نیازمند تحقیق بیشتر در رابطه با ظرفیت‌های دو دولت و مقایسه توانایی کنش آنها در خاک یکدیگر است).

فصل هفدهم اتبا دو دولت را از خدمت نظامی و پرداخت هر نوع مالیات نظامی یا عوارض نظامی در خاک هر یک از طرفین معاف می‌سازد.

فصل نوزدهم قرارداد به تمدید تجارت با دولت روسیه اشاره دارد اما مفاد آن ذکر نشده و تعیین جزییات به زمانی دیگر موکول می‌شود و مجدداً یک کمیسیون که توسط و بین نمایندگان طرفین ایجاد خواهد شد، مسئول این امر می‌گردد.

حق ترانزیت در فصل بیستم بررسی شده و به دولتین اجازه می‌دهد که از مسیرهای تجاری واقع در حوزه‌ی حاکمیت یکدیگر برای تبادل کالا به کشور ثالث استفاده کنند و عوارض و مالیات بر اساس اصل دولت کامله‌الوداد در نظر گرفته می‌شود. این نکته مشخص می‌کند که دولت ایران از تمامی حقوقی که باقی‌دول در ارتباط با روسیه دارا هستند برخوردار خواهد بود.

فصل بیست و سوم به حق تاسیس کنسولگری اشاره دارد و به هر دو طرف بر اساس تشخیص و مذاکره با کشور میزبان حق تاسیس کنسول می‌دهد. البته آیا توانایی ایران

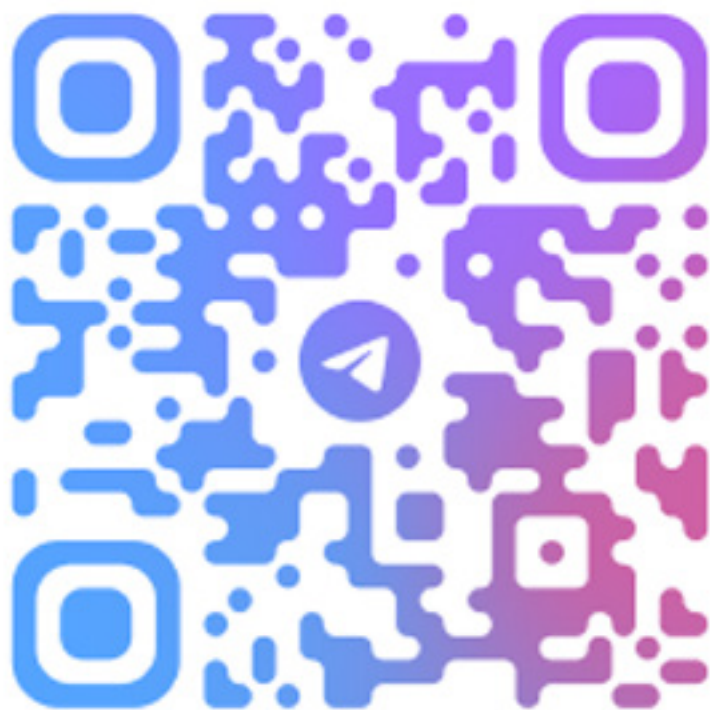
برای تاسیس کنسولگری در خاک شوروی با توانایی شوروی قابل مقایسه است؟

فصل بیست و پنجم ذکر می کند که دو نسخه‌ی قرارداد به زبان روسی و پارسی معتبر اند. این موضوع یک پیشرفت محسوب می شود چون متن پارسی در قراردادهای پیشین معتبر محسوب نمی شده.

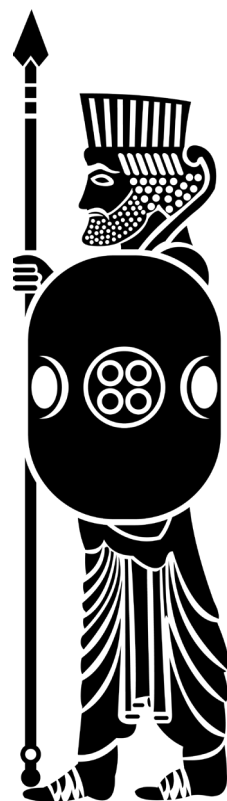
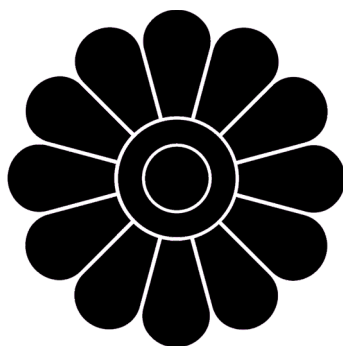
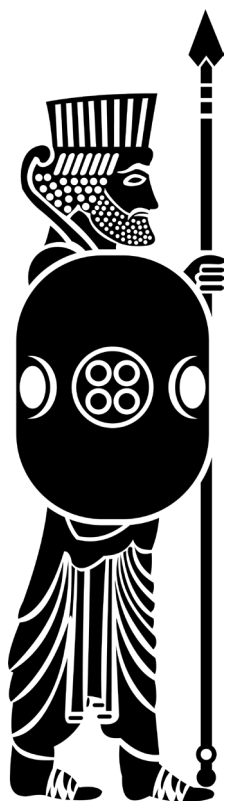
قرارداد ۱۹۲۱ به ظاهر و تنها با توجه با متن آن قراردادی منصفانه و نیکوست. اما آیا استناد صرف به متن می تواند به ما در سنجش این قرارداد کمک برساند؟ عقیده‌ی من بر این است که «به هیچ عنوان». ظرفیت تحقق فصول قرارداد توسط شوروی بسیار بیش از ایران است. شوروی به بهانه‌ی این قرارداد ایران را در جنگ جهانی دوم فتح می کند و تا سالهای بعد از ایران خارج نمی شود. نمونه‌های نقض فصول قرارداد توسط شوروی به بهانه‌های مختلف بسیار است. در فضای بین المللی آن دوران، همچون فضای امروزه؛ قدرت همه چیز را مشخص می کند. در چشم شوروی، قدرتمند تر بودنش به او مشروعیت هر کاری را می دهد. تاریخ روابط خارجی ایران در موضوع روسیه (همانطور که در شماره‌ی پیش نشان دادیم) سرشار از استثمار ایران توسط روسیه است و بررسی این رابطه با تمرکز بر قرارداد ۱۹۲۱ نیز این نکته را تایید می کند. حال باید پرسید؛ آیا روسیه برای ایران شریکی قابل اعتماد و یک متحد استراتژیک است؟ یا باید در این موضوع بیشتر اندیشید و به تاریخ گوش سپرد؟ قضاوت و پاسخ به این سوال را به عهده‌ی خوانندگان محترم می گذارم.

منابع:

اسناد روابط ایران و روس، آرشیو اسناد دانشگاه شیراز درباره روابط ایران و روس، کتاب روابط ایران و روسیه (قرارداد ۱۹۲۱) جلد ۱، ۲، ۳.



@ETERNAL_IRAN_COMMUNITY



مدیر مسئول، سردبیر و صاحب امتیاز: سهیل پارساتبار
طراحی: سهیل پارساتبار، آراد بامداد
زمینه نشر: تاریخی - سیاسی - فرهنگی - ادبی - اجتماعی
تاریخ دریافت مجوز: ۱۴۰۳/۶/۱۰
شماره‌ی دوم
شماره مجوز: ۷۶۰/ک‌نش
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۳
@eternal_iran_community

« به یاد تمام کسانی که شجاعانه در مقابل ظلم و استبداد در این سرزمین جنگیدند و به یاد تمام آزادگانی که در راه وطن جان و مال دادند. به یاد کسانی که صدایشان بلند نبود اما فریاد زدند و ظلم و جهل را به مبارزه طلبیدند تا به ما بفهمانند که گاهی برای تغییر دنیا اراده‌ی یک نفر کافیهست. »

